

مجالس رمضانی

۶

مجلس ششم

دسته‌های مردم در روزه‌داری



علامه محمد بن صالح العثیمین رحمه الله

ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



مرکز مطالعات متین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلس ششم: دسته‌های مردم در روزه‌داری

ستایش خدایی را که آنچه را پدید آورد با حکمتش به نیکی پدید آورد و شرایع دین را به عنوان رحمت و حکمت، راه ما قرار داد و ما را به طاعتش فرا خواند بی‌آنکه به آن نیازی داشته باشد، بلکه برای خود ما. پروردگاری که گناهان را برای هرکه به سوی پروردگارش توبه کند و به او نزدیک شود می‌آمرزد و عطا‌های پربار را خاص نیکوکاران گرداند: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا** [عنکبوت: ۶۹] (و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند به یقین آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم).

و گواهی می‌دهم که معبودی به حق نیست جز الله که واحد و بی‌شریک است؛ شهادتی که از آن امید دستاورد آن سرزمین نعمت و خوشی را دارم و گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر اوست که او را بر فراز آسمان‌هایش بالا برد و نزدیکش ساخت. درود و سلام الله بر او و بر یارش ابوبکر که از روی خشنودی به عبادت برخاست و الله تعالی او را با این سخن خود گرامی داشت: **إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ** **إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا** [توبه: ۴۰] (آنگاه که به یار خود (ابوبکر) گفت: غم مخور [که] بی‌تردید الله با ماست). و بر عمر آن که در راه آشکار شدن اسلام تلاش نمود، پس نه ضعف نشان داد و نه کوتاه آمد و بر عثمان خشنود و بر علی که در نسب به پیامبر نزدیک بود و بر دیگر اهل بیت و اصحاب گرامی و امین او.

برادران و خواهران من: در مجلس سوم بیان کردیم که روزه در آغاز در دو مرحله فرض شد، سپس احکام آن مستقر شد، در نتیجه مردم در امروزه ده گروه هستند:

گروه نخست:

مسلمان بالغ عاقل مقیم و توانا که از موانع روزه به دور است و در نتیجه بر او واجب است روزهٔ رمضان را در وقتش ادا کند و این بر اساس دلالت قرآن و سنت و اجماع است. الله تعالی می‌فرماید: **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ** [بقره: ۱۸۵] (ماه رمضان، [ماهی] است که قرآن در آن نازل شده است؛ [کتابی] که راهنمای مردم است و دلایل آشکاری از هدایت [با خود دارد] و جداکننده [حق از باطل] است. پس هریک از شما [که مُقیم و سالم است و] این ماه را دریابد، باید آن را روزه بدارد).

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: **«هرگاه هلال [رمضان] را دیدید، روزه شوید»**! مسلمانان دربارهٔ وجوب ادای روزه برای کسانی که بیان کردیم، اجماع دارند.

۱- تخریج آن گذشت.

اما روزه بر کافر واجب نیست و از او پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا کافر اهل عبادت نیست، بنابراین اگر در میانه ماه رمضان مسلمان شود لازم نیست که قضای روزهای قبل را به جای آورد؛ زیرا حق تعالی می‌فرماید: **{قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ}** [انفال: ۳۸] (ای پیامبر،) به کسانی که کفر ورزیدند بگو [که] اگر [از شرک و دشمنی] دست بردارند، گذشته‌هایشان بخشوده می‌شود. اما اگر در میانه روز رمضان مسلمان شود لازم است که بقیه روز را امساک کند (از باطل کننده‌های روزه دوری کند)؛ زیرا با مسلمان شدن از اهل وجوب شده اما قضای آن روز بر او واجب نیست، زیرا به وقت وجوب امساک، از کسانی نبوده که روزه بر آنان واجب است.

گروه دوم:

کودک؛ که روزه بر او واجب نیست تا آنکه بالغ شود. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: **«قَلَمَ [ثَبَتَ وَضَبَطَ] اَعْمَالِ اِنْسَانٍ تَوْسِطَ مَلَائِكَةٍ** از سه نفر برداشته شده است: از کسی که خواب است تا بیدار شود و

از کودک تا اینکه به بلوغ برسد و از دیوانه تا اینکه به هوش آید». به

روایت احمد و ابوداود و نسائی. حاکم آن را صحیح دانسته است.^۱

اما اگر در حدی بود که توانایی روزه را داشت، ولی او دستور می‌دهد که برای تمرین روزه بگیرد تا پس از بلوغ به آن عادت داشته باشد و این اقتدا به سلف صالح رضی الله عنهم است. صحابه رضوان الله علیهم فرزندان خود را در کودکی به روزه وا می‌داشتند و برایشان از پشم و مانند آن عروسک‌هایی می‌ساختند و هرگاه از گرسنگی گریه می‌کردند آن عروسک‌ها را به آنان می‌دانند تا به بازی مشغول شوند.^۲

۱- به روایت احمد (۱۴۴ / ۶) و ابوداود در کتاب الطلاق، باب المجنون یسرق أو یصیب حدا (۴۳۹۸) و نسائی، کتاب الطلاق، باب من لا یقع طلاقه من الأزواج (۳۴۳۲) و حاکم (۵۹ / ۲).

۲- به روایت بخاری، کتاب الصوم، باب صوم الصبیان (۱۹۶۰) و مسلم، کتاب الصیام، باب من أكل أو شرب فی عاشوراء فلیکف بقیة یومه (۱۱۳۶) از رَبَّیْع بنت معوّد رضی الله عنهما.

امروزه بسیاری از پدران و مادران از این امر غافل هستند و فرزندان‌شان را به روزه امر نمی‌کنند و بلکه بعضی از آنها فرزندان‌شان را که علاقه به روزه دارند از روی مهربانی از این کار باز می‌دارند! اما در حقیقت مهربانی آن است که وظیفه تربیت فرزندان‌شان را بر اساس شعائر اسلام و تعالیم ارزشمند آن انجام دهند. کسی که آنان را از روزه منع کند یا در این زمینه کوتاهی کند در حقیقت در حق خودش و آنان مرتکب ستم شده است.

بله، اگر روزه شدند و متوجه شد که روزه برایشان زیان دارد، در این صورت اشکالی ندارد که آنان را از روزه شدن باز بدارد.

بلوغ پسران با یکی از این سه چیز حاصل می‌شود:

نخست: خروج منی با احتلام (خروج منی در خواب) یا به شکلی دیگر؛

به دلیل سخن حق تعالی که می‌فرماید: **وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ**

فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ {نور: ۵۹} (و هنگامی که

کودکانتان به [سن] بلوغ رسیدند، باید [برای ورود به خانه‌های دیگران] اجازه بگیرند؛ همانگونه که اشخاصی که پیش از آنان [به سن بلوغ رسیده بودند]، اجازه می‌گرفتند). و به دلیل سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید: **«غسل جمعه بر هر مُحْتَلِم (بالغ) واجب است»** متفق علیه.^۱

دوم: روییدن موی بالای شرمگاه، به دلیل سخن عطیه قُرَظی رضی الله عنه که می‌گوید: «در روز قُرَیْظَه (روز تسلیم بنی قریظه پس از خیانت به مسلمانان و حکم به کشته شدن مردان بالغ) بر پیامبر صلی الله علیه وسلم عرضه شدیم، پس هرکه بالغ بود یا موی شرمگاهش

۱- به روایت بخاری: کتاب الأذان، باب وضوء الصبیان ومتی يجب علیهم الغسل (۸۵۸) و مسلم: کتاب الجمعة، باب وجوب الغسل علی کل بالغ من الرجال (۸۴۶) از ابوسعید خدری رضی الله عنه.

بیرون آمده بود کشته شد، وگرنه رها شد». به روایت احمد و نسائی که صحیح است.^۱

سوم: کامل شدن پانزده سال؛ به دلیل سخن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که می‌گوید: روز اُحد در حالی که چهارده سال داشتم بر پیامبر صلی الله علیه وسلم عرضه شدم اما به من اجازه نبرد نداد. (بیهقی و ابن حبان در صحیحش با سند صحیح^۲ افزوده‌اند: مرا بالغ ندانست).
نافع می‌گوید: پس به نزد عمر بن عبدالعزیز - که خلیفه بود - رفتم و این حدیث را برای او بازگو کردم؛ او گفت: این حد بین کودک و بزرگ

۱- به روایت احمد (۳۱۰ / ۴) و ابوداود: کتاب الحدود، باب الغلام یصیب الحد (۴۴۰۴) و ترمذی: کتاب السیر، باب النزول علی الحکم (۱۵۸۴) و ابن ماجه: کتاب الحدود، باب من لا یجب علیه الحد (۲۵۴۱).

۲- نگا: صحیح ابن حبان (۴۷۲۸) و سنن بیهقی (۵۵ / ۶).

است، آنگاه برای کارگزارانشان نوشت که عطایا را برای کسانی که به پانزده سال رسیده‌اند اختصاص دهند. به روایت بخاری!

بلوغ دختران با همان نشانه‌های بلوغ پسران ثابت می‌شود، علاوه بر امر چهارم که عادت ماهیانه (پریود) است. بنابراین هرگاه دختری حیض شد به بلوغ رسیده و دیگر مکلف است، حتی اگر ده سالش نشده باشد.

و اگر کسی در اثنای روز رمضان بالغ شود اگر در حال روزه بود روزه‌اش را کامل می‌کند و چیزی بر عهده‌اش نیست و اگر روزه نبود بقیه روز را امساک می‌کند و از باطل کننده‌های روزه دست می‌کشد زیرا از اهل وجوب شده است ولی قضای آن روز بر او واجب نیست، زیرا هنگام وجوب امساک، از کسانی نبوده که روزه بر آنان واجب است.

۱- به روایت بخاری: کتاب الشهادات، باب بلوغ الصبيان وشهادتهم، در پی حدیث شماره (۲۶۶۴).

گروه سوم:

روزه برای مجنون - یعنی کسی که عقل ندارد - نیز واجب نیست. به دلیل حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که قبلاً بیان کردیم: «**قلم [ثبت و ضبط اعمال انسان توسط ملائکه] از سه نفر برداشته شده است: از کسی که خواب است تا بیدار شود و از کودک تا اینکه به بلوغ برسد و از دیوانه تا اینکه به هوش آید**»^۱ و روزه او درست نیست زیرا عقلی ندارد که با آن عبادت را درک کند و نیت عبادت داشته باشد حال آنکه عبادت بدون نیت صحیح نیست؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

۱- تخریج آن گذشت.

«همانا کارها به نیت‌ها وابسته است و برای هر کس همان چیزی

است که نیت کرده است...»!

اما اگر گاه دیوانه می‌شود و گاه عاقل می‌شود، لازم است که در هنگام عاقل بودن روزه شود و روزه در حال جنون بر او واجب نیست و اگر در اثنای روز رمضان دیوانه شد روزه‌اش باطل نمی‌شود، مانند کسی که به سبب بیماری یا هر سبب دیگری بیهوش شود؛ زیرا او در حالی که عاقل بوده با نیت درست روزه شده است و دلیلی برای باطل بودن روزه‌اش نیست به ویژه اگر دانسته شود که این جنون در ساعات مشخصی بر او عارض می‌شود، بنابراین لازم نیست قضای روزی که در آن جنون بر وی عارض شده را به جا بیاورد. و اگر دیوانه در اثنای روز

۱- به روایت بخاری: کتاب بدء الوحی، باب کیف کان بدء الوحی إلی رسول الله صلی الله علیه وسلم (۱) و مسلم: کتاب الإمارة باب قوله: «إنما الأعمال بالنیات» (۱۹۰۷) از عمر بن الخطاب رضی الله عنه.

رمضان عاقل شود باید بقیه آن روز را امساک کند زیرا از اهل وجوب شده است ولی قضای آن روز بر او واجب نیست مانند کودکی که در میانه روز بالغ شود یا کافری که در میانه روز مسلمان شود.

گروه چهارم:

پیری شدیدی که به حد هذیان گفتن و عدم تشخیص برسد. برای چنین کسی نه روزه واجب است و نه غذا دادن به جای او. زیرا چنین کسی با از دست دادن قدرت تمییز و تشخیص، دیگر تکلیف از او ساقط شده و همانند کودک پیش از سن تشخیص شده است. اما اگر گاه قدرت تشخیص دارد و گاه ندارد، در حال تشخیص روزه بر او واجب است اما در حال هذیان و عدم تمییز روزه بر او واجب نیست. نماز نیز در حال هذیان گویی و عدم تمییز همانند روزه بر او لازم نیست.

گروه پنجم:

کسی که از روزه شدن ناتوان باشد و این ناتوانی مستمر باشد و امید درمانش نباشد، مانند بیمار سرطان و این نوع بیماری‌ها. روزه برای چنین کسی واجب نیست زیرا توانایی آن را ندارد و الله سبحانه و تعالی فرموده است: **{فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ}** [تغابن: ۱۶] (پس در حد توانایی خود از الله پروا بدارید). و می‌فرماید: **{لَا يَكُلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا}** [بقره: ۲۸۶] (الله هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کند). اما واجب است که به جای هر روزه به یک بینوا غذا دهد؛ زیرا الله سبحانه و تعالی در آغاز فرض شدن روزه که مسلمانان میان روزه گرفتن و غذا دادن مختار بودند، غذا دادن را معادل روزه قرار داده بود، در نتیجه در هنگام ناتوانی نیز غذا دادن جایگزین روزه می‌شود زیرا معادل آن است.

در غذا دادن حق انتخاب دارد که این غذا را به صورت نیخته میان بینوایان توزیع کند و به هریک، یک مُد گندم (یک چهارم صاع نبوی)

بدهد. وزن این مُدّ یک کیلو و نیم گندم مرغوب است. و می‌تواند غذا بپزد و بینوایانی به تعداد روزهایی که روزه نشده را به آن دعوت کند.

بخاری رحمه الله می‌گوید: اما دربارهٔ پیر کهنسال اگر توانایی روزه نداشته باشد؛ انس پس از آنکه کهنسال شد یک سال یا دو سال هر روزه به یک بینوایان و گوشت داد و خودش روزه نشد.^۱

ابن عباس رضی الله عنهما دربارهٔ پیرمرد و پیرزن کهنسال که توانایی روزه ندارند می‌گوید که به جای هرروزه به یک مسکین غذا می‌دهند. به روایت بخاری.^۲

برادر و خواهران من: شرع الهی، حکمتی است از جانب الله تعالی و رحمتی است از سوی او برای بندگانش؛ زیرا شرع او بر اساس

۱- صحیح بخاری، پیش از حدیث شماره (۴۵۰۵).

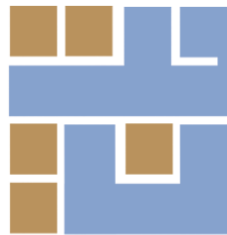
۲- به روایت بخاری: کتاب المغازی، باب قوله تعالی: {أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ}، به شماره (۴۵۰۵).

آسان‌گیری و رحمت و دقت و حکمت است. الله تعالی بر اساس این شرع، برای هر مکلفی همان چیزی را واجب ساخته که مناسب حال اوست تا هر کس آنچه وظیفه اوست را با سینه‌ای گشاده و درونی آرام انجام دهد و به پروردگاری الله و پیامبری محمد صلی الله علیه وسلم خشنود باشد. پس ای مؤمنان خداوند را برای این دین گرانقدر سپاس گوید و برای نعمت هدایت شکر گوید در حالی که بسیاری از مردم دستخوش گمراهی شده‌اند و از الله بخواهید که شما را تا هنگام مرگ پایدار نگه دارد.

پروردگار ما با شهادت دادن به اینکه تو معبود به حق هستی و معبودی جز تو نیست و تو یگانه و بی‌نیازی و فرزندی نخواهی آورد و فرزند کسی نیستی و همتایی نداری، ای دارای جلال و اکرام، ای منان و ای پدیده آورنده آسمان‌ها و زمین و ای زنده پایدار. از تو می‌خواهیم که ما را برای آنچه دوست داری و به آن خشنودی توفیق دهی و از کسانی قرار دهی که به پروردگاری تو و پیامبری محمد صلی الله علیه وسلم

خشنود هستند و از تو مسألت داریم که تا هنگام مرگ ما را بر این راه
پایدار سازی و گناهان و بدی‌های ما را بیامرزی و از سوی خودت به ما
رحمتی ارزانی داری، زیرا تو بسیار بخشنده‌ای. و درود و سلام خداوند
تا روز قیامت بر پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب او باد.

مجلس ششم: دسته‌های مردم در روزهداری



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies